



The Qur'anic documentation of the innateness of the right to Therefore, what is taken from the Qur'an and hadiths is that such a baby has two mothers relationship in surrogacy

Seyyed Ziyaoddin. Olianasab^{1*} -Akram. Sarvvand²

1: Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran
(Corresponding Author): olyanasab@hmu.ac.ir

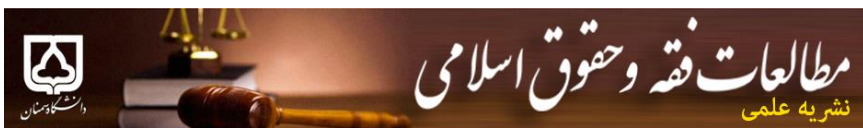
2: Level 4 student, Comparative Interpretation major, Masoumieh Institute of Higher Education, Qom, Iran.

Abstract: The relationship between the child and the parents is one of the relationships that are created naturally with the birth of the child. Without needing to validate this relationship. In the meantime, one of the new methods of having children is surrogacy; that there is a difference of opinion in the resulting ratio between mother and child; The statement that if a baby is born from the womb of a foreign woman and the egg and sperm are from the parents, who is the relative mother? This result was obtained in the leading article; from the point of view of the verses and traditions, sharing in mercy (inheritance) and sharing in the egg (genetics) can play a significant role in the creation of a natural and developmental relationship. The law and credit matters do not have the power to deny the relationship and the real and developmental relationship resulting from the development of the sperm in the surrogate's womb. Therefore, what is taken from the Qur'an and hadiths is that such a baby has two mothers. The mother who owns the egg and the mother who owns the uterus; As some jurists also have such a fatw. And it seems that this ruling originates from the natural and developmental relationship between the owner of the womb and the fetus.

Keywords: Ancestry Natural ratio , right of proportion , fetus , Mother .

- S.Z. Olianasab; A. Sarvvand (2025), "The Qur'anic documentation of the innateness of the right to Therefore, what is taken from the Qur'an and hadiths is that such a baby has two mothers relationship in surrogacy", Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 17(38),1-26.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.30778.3611](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.30778.3611)



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۷ - شماره ۳۸ - بهار ۱۴۰۴

صفحات ۲۶-۱ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۰۳/۰۹ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۵/۱۲ - پذیرش ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

مستندات قرآنی - روایی فطری بودن حق نسبت در رحم اجاره ای

سید ضیاء الدین علیانسیب^۱ / اکرم سرووند^۲

olyanasab@hmu.ac.ir

۱: دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول)

۲: طلبه سطح چهار، گرایش تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی معصومیه سلام الله علیها، قم، ایران.

چکیده: نسبت و قرابت میان فرزند و والدین، از جمله روابطی است که به طور طبیعی با تولد فرزند ایجاد می شود بدون این که نیاز به اعتبار این رابطه باشد. در این بین، یکی از روش های نوین فرزند دار شدن، رحم اجاره ای است که در نسبت حاصل میان مادر و فرزند اختلاف نظر وجود دارد؛ به این بیان که در صورت تولد نوزاد از رحم یک زن بیگانه و تخمک و اسپرم از پدر و مادر، مادر نسبی کیست؟ در نوشته پیش رو این نتیجه حاصل شد که از دیدگاه آیات و روایات، اشتراک در رحمت (وراثت) و اشتراک در تخمک (ژنتیک) می تواند نقش بسزایی در به وجود آمدن نسبت فطری و تکوینی داشته باشد. قانون و امور اعتباری، قدرت انکار نسبت و ارتباط واقعی و تکوینی حاصل از تکوین نطفه در رحم جانشین را ندارند؛ از اینرو آن چه از قرآن و روایات برداشت می شود، دو مادری بودن چنین نوزادی است؛ مادر صاحب تخمک و مادر صاحب رحم؛ چنان چه برخی از فقها نیز چنین فتوایی دارند و حتی برخی با جایز ندانستن این نوع تلقیح، صاحب رحم را مادر رضاعی می دانند. بنابراین به نظر می رسد این حکم، از رابطه فطری و تکوینی صاحب رحم و جنین نشأت می گیرد.

کلیدواژه: نسبت فطری، رحم اجاره ای، حق نسبت، مادر، جنین.

سید ضیاء الدین علیانسیب و همکاران - سال هفدهم - بهار ۱۴۰۴ - شماره ۳۸

- علیانسیب، سید ضیاء الدین؛ سرووند، اکرم (۱۴۰۴) «مستندات قرآنی - روایی فطری بودن حق نسبت در رحم اجاره ای». دانشگاه سمنان: مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان. ۱۷ (۳۸) ۲۶-۱.

Doi: 10.22075/feqh.2023.30778.3611

مقدمه

از جمله روش های نوین تولد نوزاد، شیوه استفاده از رحم اجاره ای است؛ به این صورت که مادر صاحب تخمک به هر دلیلی نطفه را در رحم خود پرورش نمیدهد و پدر و مادر آن را به زن دیگری اهدا می کنند تا همه یا بخشی رشد ۹ ماهه خود را در رحمی غیر از رحم صاحب تخمک سپری کند. در این روش، مسأله مورد اختلاف فقها و حقوقدانان، تعیین مادر جنین بین صاحب تخمک و صاحب رحم است. با توجه به جنسیت جنین و به وجود آمدن احکام خاص به تبع ارتباط جنین و صاحب رحم و احتمال محرمیت و عدم آن، لازم است با استناد به آیات و روایات ائمه اطهار علیهم السلام، نسبت و ارتباط جنین با صاحب رحم بررسی شود. با توجه به این که حقیقی و تکوینی بودن رابطه صاحب رحم و جنین، امری بدیهی و غیر قابل انکار است، در این نوشته به این سؤال پاسخ داده می شود که دیدگاه قرآن و روایات در خصوص ارتباط فرزند رشد یافته در رحم اجاره ای با زن صاحب رحم چیست؟

با توجه به جستجوهای انجام شده به طور عام درباره حق فطری مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله مقاله حق فطری تنفس از دیدگاه آیات و روایات نوشته سید ضیاءالدین علیانسنب و اکرم سرووند، که در مجله اندیشه های حقوق عمومی وابسته به انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسید؛ همچنین مقاله مستندات قرآنی روایی بیداری اسلامی بر مبنای فطری بودن وحدت نوشته نویسندگان مذکور در مجله مطالعات بیداری اسلامی وابسته به سازمان بسیج اساتید دانشگاه ها و مراکز علمی در سال ۱۴۰۰ش؛ اما به طور خاص درباره مقالات رحم اجاره ای، آن چه که به دست آمد در حیطه نظرات فقهی و در حیطه احکام شرعی بررسی و تحقیق شده بود؛ از جمله مقاله بررسی فقه حقوقی قرابت مادر جانشین با طفل متولد از رحم جایگزین، نوشته الماسی و دیگران در سال ۱۳۹۱ در مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی؛ همچنین کتاب احکام و آثار اجاره رحم در فقه فریقین، نوشته رقیه قاهری که در سال

۱۴۰۰ در انتشارات هاجر چاپ شده است. این دو نوشته و نوشته‌های دیگری که درباره رحم اجاره‌ای به چاپ رسیده‌اند غالباً درباره بحث فقهی حقوقی رحم اجاره‌ای را مطرح کرده‌اند و هیچ کدام از این نوشته‌ها بحث فطری بودن و تکوینی بودن نسبت بین جنین و صاحب رحم را و از دیدگاه آیات و روایات بررسی نکرده‌اند. نویسندگان به روش کشفی و با جمع آوری کتابخانه‌ای و با هدف کشف حقیقت، آیات و روایات مرتبط با نسبت مادر و فرزند، رحمت زن و قیاس اولویت حکم رضاع با حکم رشد و پرورش جنین در رحم را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۱- مفهوم نسب

در مقاله پیش رو لازم است معنای نسب از دیدگاه فقهی و حقوقی مورد توجه قرار گیرد:

معنای نسبت؛ به معنای مقایسه چیزی با دیگری است (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۶۸۷/۲) که در اصطلاح فقه در بحث ارث چنین آمده است: نسب به معنای اتصال از طریق ولادت است؛ طوری که یکی از دو شخص به دیگری منتهی شود؛ مانند پدر و پسر یا یکی از آن دو به شخص سومی منتهی شود؛ به طوری که عرف نیز این نسبت را تصدیق کند و احکام شرعی بر آن مترتب شود (شهید ثانی، بی تا: ۲۰/۸؛ نجفی، ۱۲۶۶: ۷/۳۹).

در توضیح منتهی شدن به شخص سوم؛ مثل برادرانی که یک برادر با برادرش به صلب یک پدر یا رحم واحد می‌رسند و صدق عرفی؛ یعنی آن صلب یا رحم نزدیک باشند؛ زیرا اگر به صلب یا رحمی با فاصله ۱۰۰۰ سال برسند، عرفاً نسب اطلاق نمی‌شود (شهید ثانی، بی تا: ۲۲/۸).

در اصطلاح حقوقی آمده است: نسب و نسبت یعنی شریک بودن و اشتراک در نسبت مادری یا پدری؛ به معنای اصطلاحی خاص؛ «عبارت است از رابطه پدر و فرزندی یا مادر فرزندی و رابطه طبیعی و خونی میان دو نفر که یکی به طور مستقیم و بدون واسطه از صلب یا بطن دیگری به دنیا آمده است (امامی و صفایی، ۱۳۷۶: ۲۷).

با توجه به این که در هیچ یک از متون قرآنی و روایی تعریف خاصی از نسب ارائه نشده است، ملاک مترتب شدن احکام شرعی، نسب عرفی است و معنای حقیقی شرعی برای نسب وجود ندارد (نراقی، ۱۴۰۵: ۲۲۱/۱۶) اگرچه از آیه «حرمت علیکم امهاتکم»، واژگان «اصلابکم» و «ارحامکم» و نیز کاربرد این واژه در روایات مانند «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب»، می توان تعریفی استخراج کرد که منطبق با تعریف عرفی باشد.

بنابراین به نظر می رسد تشکیل یک انسان از اسپرم مرد و تخمک زن، منشأ رابطه عرفی نسبت است؛ به طوری که عرف پس از پیدایش طبیعی طفل از والدینش نوعی رابطه اعتباری و قراردادی میان آنان برقرار می کند که آن را نسب می نامد و بر این رابطه اعتباری آثاری مانند را نیز مترتب می کند.

۲- منشأ انتساب فرزند به مادر

فرزندآوری، از اموری است که خدای متعال در نوع انسان قرار داده است و همه انسان ها به دستگاه تولید و تناسل مجهز شده اند؛ از اینرو هر انسانی که از طبیعت خودش منحرف نشود، متمایل به داشتن فرزند است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴/۴). وابستگی طبیعی اولی، وابستگی پدر و مادر به فرزند و دو موجود نر و ماده با هم است. این وابستگی با توجه به ماهیت آن، یک پدیده طبیعی کامل است؛ زیرا فرزند محصول و ثمره پدر و مادر است. این رابطه، بی شباهت به رابطه «علیت»^۱ نیست. همان گونه که در آیات قرآن نیز توصیه به والدین را پس از بندگی خدا آورده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا لَتَاهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۷).

نازایی و ناباروری به حالت عدم توانایی بارداری در زوجین اطلاق می شود. بر اساس آخرین آمار سازمان جهانی بهداشت ۶۸۰ میلیون زوج نابارور در کل جهان وجود دارد.

۱. روشن است که منظور از رابطه علیت، علیت تامه نیست؛ بلکه مراد، جزء العلّه بودن پدر و مادر است.

برای درمان این معضل پزشکان شیوه‌های مختلفی را پیشنهاد کردند (نبی نیا و صدری، ۱۳۹۴: ۱۲۰)؛ امروزه نسبت میان فرزند و مادر به روش‌های نوین ایجاد می‌شود که یکی از این روش‌ها، رحم اجاره‌ای است. دانشمندان وجود این نسبت را به طور عقلی و طبیعی انکار نمی‌کنند، اما آن چه مورد اختلاف دانشمندان قرار گرفته است، ایجاد یا عدم ایجاد نسبت شرعی میان جنین و صاحب رحم اجاره‌ای است، از اینرو، نظرات متعددی در معیار تکوین فرزند از ناحیه مادر وجود دارد:

۱. عده‌ای از فقها ملاک انتساب فرزند به مادر را زائیدن می‌دانند (در بحث ما یعنی مادر صاحب رحم اجاره‌ای است)؛ (خوئی و تبریزی، ۱۴۳۲: ۲۶۳). آیه الله هادوی معتقد است فرزند ملحق به صاحب رحم است و آثار مادر و فرزندی بین این دو برقرار است (<http://www.hadavi.info>/۱۴۰۲/۴/۸).

۲. نظر گروه دیگر این است که دو عامل در پیدایش هر فرزند تأثیرگذار است: الف- پیدایش فرزند از تخمک؛ ب- حمل فرزند و تولد از صاحب رحم؛ این دو عامل باهم مادر است (مادر جانشین و مادر ژنتیکی؛ دو مادر)؛ (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۸: ۵۵۸)؛ همچنین آیه الله علوی گرگانی گفته‌اند این فرزند به صاحب اسپرم و صاحب تخمک به عنوان پدر و مادر محرم است و به فرزندان آن دو نفر نیز محرم است و به صاحب رحم هم به عنوان مادر رضاعی محرم است و کسانی که از این مادر شیر خورده‌اند به عنوان برادر و خواهر رضاعی به این فرزند محرم هستند و حضانت و نفقه بر عهده صاحب اسپرم و صاحب تخمک است و ولایت او هم برای صاحب اسپرم است، اما اصل عمل رحم اجاره‌ای را جایز نمی‌دانند (<http://site.agorgani.ir/estefta>)، و از نظر آیه الله مکارم شیرازی، این فرزند متعلق به صاحبان نطفه و با آنها محرم است. در مورد مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی او است؛ بلکه در برخی جهات نسبت به او اولویت دارد؛ چراکه تمام گوشت و استخوان از او روئیده است؛ بنابراین

حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند (https://makarem.ir1).
(۱۴۰۲/۴/۸)

۳. گروه سوم، معیار انتساب را پیدایش فرزند از تخمک دانسته اند (مادر ژنتیکی) (خمینی، ۱۳۹۰: ۶۲۱/۲)؛ آیه الله خامنه‌ای نظرش چنین است که کودک ملحق به زن و شوهر صاحب اسپرم و تخمک اند (https://farsi.khamenei.ir/treatise-index).
(۱۴۰۲/۴/۸) و از دیدگاه آیه الله صافی، تمام آثار و روابط شرعی بین فرزند و زن صاحب تخمک برقرار است و زن دوم هیچ نسبتی با آن فرزند ندارد، حتی حکم مادر رضاعی را هم ندارد (https://saafi.com/contact_us، ۱۴۰۲/۴/۸). برخی مراجع پیشه احتیاط گرفته‌اند؛ لذا نظراتشان در این سه دسته جای نمی‌گیرد:

آیه الله سیستانی مادر بودن هر کدام از صاحب تخمک و صاحب رحم را محل اشکال دانسته و ترک نکردن مراعات را مقتضای احتیاط دانسته اند (https://www.sistani.org، ۱۴۰۲/۴/۸).
از نظر آیه الله نوری همدانی این نوع تلقیح جایز نیست و فرزند حاصل از این لقاح، نامشروع است (http://ahkam-ido.ir، ۱۴۰۲/۴/۸).

در این نوشته دلایل گروهی که قائل به مادر بودن صاحب رحم هستند مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد:

نسبت مادر و فرزندی، با سخن گفتن ایجاد نشده و از بین نمی‌رود و تغییری هم نمی‌کند. به تصریح آیه شریفه: «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا» (زمر: ۶)؛ کلمه «ولد» اسمی است که شامل فرزند مذکر و مؤنث می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۱/۸) و «الوَلَدُ» و «الْوَلَدُ» به معنای هر چیزی است که زاده شد (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۴۲۹/۹) و تولد چیزی از دیگر به معنای این است که چیزی، سبب حاصل شدن چیز دیگر می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۴)؛ همچنین ولد به معنای خارج شدن چیزی از دیگری و حاصل شدن موجود ساخته شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۲۰/۱۳).

اگر زنی اسپرم مرد اجنبی را در رحم خود قرار دهد، گناه کرده است اما فرزند به او و صاحب اسپرم ملحق می شود و اگر فرزند دختر باشد صاحب اسپرم نمی تواند با او ازدواج کند (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۴/۱). آنها به منظور تأیید این نظر به آیاتی از جمله آیه شریفه «إِنْ أُمّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» استناد کرده اند؛ بدین توضیح که آیه شریفه، مطلقاً زنانی که می زایند را مادر طفل محسوب می کند؛ خواه تخمک از وی باشد خواه نباشد و به طور مطلق و به صیغه حصر، مادر کسی است که فرزند را زائیده است. در مورد انتساب به پدر نیز آیه قرآن داریم که پسرخوانده پسر واقعی و نسبی نیست: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ كَقَوْلِكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ» (احزاب: ۴).

مردم عصر نزول آیات قرآن و صدور روایات به این مطلب که کودک، حاصل لقاح اسپرم و تخمک است، اطلاع نداشتند و زن صاحب رحم را به دلیل ظرف بودن رحم، مادر می دانستند؛ یعنی مبنای آنها در مادر بودن یک زن، زائیدن بود و زنی که کودک را زایمان می کرد او را مادر می دانستند و قانونگذار اسلام هم این فهم عرفی را امضا کرد (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۴/۱). همچنین به آیات دیگری نیز استناد کرده اند؛ از جمله آیه ۱۵ از سوره احقاف که می فرماید: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ...» یا آیه ۷۸ سوره نحل: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمّهَاتِكُمْ...» در آیات بیان شده و دیگر آیاتی که با مضامینی مشابه وارد شده، عنوان مادر برای کسی به کار رفته است که کودک را حمل نموده و به دنیا آورده است (قاهری، ۱۴۰۰: ۸۱).

این که آیه در صدد بیان حکمظهار در زمان جاهلیت و نفی اثرش یعنی حرمت ابدی باشد، منافاتی ندارد که در مورد غیر از این افراد نیز عنوان مادر به کار رود؛ مانند مادر رضاعی که اگرچه طفل را حمل نکرده و او را به دنیا نیاورده است، اما خداوند او

را نیز مادر معرفی کرده است و در عین حال، آیه اثر دیگر ظاهر را که مادر شدن همسر برای شوهر باشد، انکار نماید.

همچنین به تصریح آیه شریفه «أُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ»؛ «أُمَّهَات» به مادران رضاعی نیز اطلاق می شود؛ پس منافاتی ندارد که واژه «امّ» به زنانی که فرزند را به دنیا می آورند اطلاق شود. استثناء در آیه شریفه اضافی است و کسانی را که با ظاهر، زانیشان را مادر خود می دانستند ردّ می کند، اما آن چه در اصول ثابت است که مورد، مخصّص یا مقید نیست و ظهور کلام نزد عقلا معتبر است (همان: ۸۱) بنابراین نسبت طبیعی و تکوینی با سخن گفتن، نه از بین می رود و نه ایجاد می شود. مؤید وجود نسبت میان صاحب رحم و جنین، تصریح قرآن کریم بر نسبت حضرت عیسی علیه السلام به مادرش مریم سلام الله علیها است و نفی نسبت فرزند زید به پیامبر است (ر.ک: واحدی نیشابوری، ۱۴۰۷: ۳۵۲/۱) «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ» و می فرماید: «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ كُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ»؛ خواندن افراد به عنوان فرزند، بدون هیچ مبنا و شراکتی در رحم، نسبت فرزند را ایجاد نمی کند. اسلام، همین موضوع اجتماعی را به هر دو عنصر اصلی؛ یعنی زن و مرد ارتباط می دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۹/۱۶)؛ خدای متعال می فرماید: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى»؛ «ذُرِّيَّة» به فرزندان دختر نیز اطلاق می شود که حضرت عیسی از ذریه مریم سلام الله علیها است. در بیان این آیه، از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «وَاللَّهُ لَقَدْ نَسَبَ اللَّهُ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ فِي الْقُرْآنِ إِلَى إِبْرَاهِيمَ عٍ مِنْ قَبْلِ النِّسَاءِ، ثُمَّ تَلَا «وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ» إِلَى آخِرِ الْآيَتِينَ وَ ذَكَرَ عِيسَى (ع) (انعام: ۸۴)» (برقی، بی تا: ۱۵۶/۱) همچنین آیه مباحله و روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله: «وَ قَدْ سَمَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِيسَى مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ كَانَ ابْنُ أُمِّتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَمَّا صَحَّ أَنَّ ابْنَ أُمِّتٍ ذُرِّيَّةٌ» دلالت دارد که نوه دختری، فرزند و جد مادری، پدر شمرده می شود و همچنین قرآن کریم در آیه «أَبْنَاهُنَّ» با اضافه کردن

پسران به مادران، به نسبت میان آنها توجه می دهد. بنابراین، با توجه به ایجاد شدن طبیعی فرزند از پدر و مادر، پس نسبت میان او و والدین نیز طبیعی و فطری است.

به طور کلی آن چه عقل می فهمد این است که جنین به تنهایی نتیجه تخمک و صفات موروثی از ژن ها نیست؛ بلکه نتیجه تعاملات با محیط اطراف نیز هست؛ زیرا به صورت جنین به دیواره رحم چسبیده است و تکوین، شکل گیری، رشد روانی و جسمی اش متأثر از رحم است چنان که خداوند می فرماید: «يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» (زمر: ۶) شما را در شکم های مادرانتان و در تاریکی های سه گانه، مشیمه، رحم و شکم خلق کرد. همچنین در جای دیگر می فرماید: «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ» (رعد: ۸)؛ عبارت «ما تزدد» می رساند که رشد وجود جنین از وجود مادر است به شکل فطری؛ یعنی زنی که را جنین از گوشت و خون او بزرگ می شود. قرآن کریم در آیاتی دیگر با تمجید از سختی هایی که مادر در جریان وضع حمل متحمل می شود، لفظ «امّ» را برای حامل به کار می برد؛ مانند آیات «... حَمَلَتْهُ أُمُّهُ...» (لقمان: ۱۴) و «... حَمَلَتْهُ أُمُّهُ...» (احقاف: ۱۵) در آیه ۶ سوره زمر نیز سخن از خلقت انسان در شکم مادرش به میان آمده است که ظهور در مادری زن اهدا گیرنده دارد (قاهری، ۱۴۰۰: ۸۵-۸۱).

واژه «حملته» گویای فعلی است که مادر انجام می دهد: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ»؛ سؤال این است که آیا زنی که در رحم اجاره ای، همین کار را انجام می دهد را می توان مادر تلقی کرد. با توجه به قیاس منصوص العله می توان در اینجا قاعده ای را استخراج کرد. فعل مادر، حمل جنین و رشد دادن آن در مراحل جنینی است. آیا مادر رحم اجاره ای نیز همین مراحل را برای جنین انجام می دهد یا نه؟ قطعاً همین است؛ یعنی جنین تمامی مراحل رشد خود را در رحم اجاره ای طی می کند؛ پس تعبیر «امّ» بر او هیچ ایرادی ندارد.

یکی از مراحل بارداری، مرحله جایگزینی است که اولین دو هفته پس از لقاح است. در این مرحله، تخمک، بارور و داخل دیواره رحم جایگزین می شود. در این مرحله جنین از طریق لایه خارجی تخمک بارور و از ترشحات غدد رحمی تغذیه می شود. خون مادر در انتهای هفته دوم در شبکه حوضچه ای وارد شده و در انتهای هفته دوم گردش خون زهدانی - جفتی اولیه برقرار می شود. در واقع از اواخر دو هفته جنین وارد مرحله علقه می شود. با پیشرفت بارداری، تشکیل جفت از یک سو، و رشد رویان (جنین) انجام می شود. جفت تا انتهای بارداری به دیواره رحم متصل می ماند و به تبادل فرآورده های گازی و متابولیکی بین جریان های خون مادری و جنینی و همچنین به تولید هورمون ها می پردازد. جنین نیز تا پایان بارداری به وسیله بند ناف به جفت متصل و آویزان است و معنای چسبندگی، اتصال، زالوی خون مکنده و ... برای علقه تا پایان بارداری، شامل حال جفت و جنین می شود (کاشفی، ۱۳۸۵: ۱۰۷ و ۱۱۵ و ۱۲۷)؛ پس کاهش و افزایش در جنین فعلی است که رحم زن حامل این فرایند را عملی می کند. در این صورت، نقش مادری به صاحب تخمک اختصاص ندارد و صاحب رحم نیز در رشد جنین نقش بسزایی ایفا کرده است.

مسأله مهم، تعیین مادر قانونی در مورد طفل حاصل از رحم جایگزین است. با توجه به این که مرد فقط از نظر ژنتیک و بیولوژیک با فرزند خود رابطه طبیعی دارد مادر، هم از نظر بیولوژیک (تخمک) و هم از نظر فیزیولوژیک (نگهداری کودک در رحم) با فرزند خود رابطه طبیعی برقرار می کند؛ به طوری که نمی توان از انتساب طفل به صاحب تخمک و وابستگی طفل به زنی که ماه ها در رحم او رشد کرده، صرف نظر کرد (عزیزی، ۱۳۹۴: ۲۷). حال این سؤال حاصل می شود که آیا عرف، تکوین یک انسان از اسپرم مرد و تخمک زن را موجب اعتبار رابطه می داند یا پرورش جنین در رحم زن و توکد از او یا هر دو را منشأ اعتبار می داند؟

رابطه نسبی فرزند به مادرش پیرو دو عامل ایجاد می شود: ۱. ارتباط تکوینی فرزند با مادر به وسیله تخمک؛ ۲. ارتباط از طریق حمل و ولادت جنین؛ این رابطه به وسیله رحم محقق می شود؛ به طوری که ارتباط هر دو زن با کودک، پابرجا و غیر قابل سلب است؛ آنگونه که هر یک از مادرها به تنهایی، توانایی به وجود آوردن کودک را نداشتند. در اینباره از نظر ژنتیکی نمی توان از انتساب کودک به صاحب تخمک به عنوان اساس تکوین جنین چشم پوشی کرد و از طرفی نمی توان از وابستگی و رابطه اش به صاحب رحم جایگزین - که همچون جزئی از پیکر او رشد کرده است - صرف نظر کرد. این مطلب نیز لازم است مورد توجه قرار بگیرد که تحقق دو مادر برای یک کودک در قالب مادر رضاعی و مادر نسبی، سابقه داشته و عنوان مادری به هر دو زن صدق می کند؛ از اینرو، می توان احکام مادری را برای هر دوی آنها مترتب نمود (همان: ۷۴).

۳- اشتراک حکم مادر رضاعی و مادر جانشینی

رضاع، با شرایط خاص خود سبب نشر حرمت و مانع نکاح می باشد که می توان گفت به طریق اولی، تکامل و تشکیل طفل در رحم مادر جانشین نیز موجب ایجاد نسبت مادری و حرمت نکاح می شود. فعل مادر، حمل جنین و رشد دادن آن در مراحل جنینی است. مادر رحم اجاره ای نیز همین مراحل را برای جنین انجام می دهد؛ یعنی جنین تمامی مراحل رشد خود را در رحم اجاره ای طی می کند؛ پس تعبیر «ام» بر او هیچ ایرادی ندارد. همچنین یکی از دلایل نشر حرمت در مادر رضاعی، رشد جنین از بدن مادر رضاعی است که با تغذیه ۱۵ مرتبه پشت سر هم یا یک شبانه روز حاصل می شود. قاعده قیاس اولویت برای بیچه ای که ۹ ماه تغذیه بی واسطه از مادر رحم اجاره ای داشته، استفاده می شود؛ بنابراین از دو دلیل قیاس منصوص العله و قیاس اولویت، نسبت مادری استفاده می شود.

برخی از محققان نظراتی به شرح ذیل دارند:

الف: نظریه دو مادری

«مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی است بلکه از آن در بعضی جهات اولویت دارد؛ چراکه تمام گوشت و استخوان او از وی روئیده است؛ بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۴۶۵/۱). و برخی گفته اند: «قرار دادن جنین متکون از نطفه غیر زوج در رحم زن اجنبیه جایز نیست؛ خصوصاً اگر مستلزم ارتکاب خلاف شرع باشد؛ ولی اگر قرار دادند و جنین از بدو رشد، در رحم زن قرار گرفت زن مادر محسوب می شود» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۵۶۵/۱).

ب: انحصار مادر به صاحب رحم

در رحم اجاره، مادر جنین، زنی است که رحم خود را اجاره داده است (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۶۵/۱؛ خوئی و تبریزی، ۱۴۳۲: ۲۶۳). جهت بررسی حکم مادر جانشین، لازم است به اجمال حکم مادر رضاعی و نسبت رحمی در آیات و روایات و حقوق تبیین شود:

۱. رضاع

عامل به وجود آمدن ارتباط و اتصال قوی میان انسان ها، تنها محدود به نطفه و رحم زن نمی شود بلکه شیر دادن یا «فحل واحد» نیز در وصل و ارتباط طبیعی اشخاص مؤثر است. قرآن مجید در باره همانندی قرابت رضاعی با قرابت نسبی در حرمت نکاح می فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ... وَ أُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» (نسا: ۲۳). شیر دادن با سه شرط موجب نشر حرمت است. آیات قرآن در این خصوص مطلق است، اما در روایات سه قید آمده است:

الف: حدّاقل ۱۵ بار یا یک شبانه روز پیوسته شیر بخورد؛ ب: خوردن شیر توسط فرزند از پستان مادر، بدون واسطه؛ یعنی اگر بدوشند و به بچه بدهند و بخورد نشر حرمت نمی کند؛ ج: شیر خوردن در دوره دو سالگی شیرخوارگی باشد؛ چ: شیر از فحل واحد باشد؛ که این شرط همه فقها نیست.

درباره تأثیر رضاع از رسول الله (ص) نقل شده است: «الرَّضَاعُ لَحْمَهُ كَلَحْمِهِ النَّسَبُ» (نراقی، بی تا: ۲۷۳/۱۶) و «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۷/۵)؛ خویشاوندی به وجود آمده از رضاع همانند خویشاوندی حاصل از نسب است. همچنین آمده است: «انْظُرُوا مَنْ تُرْضِعُ أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ أَوْلَادَكُمْ يَشْبُ عَلَيْهِ» (همان، بی تا: ۴۳/۶) و «تَخَيَّرُوا لِلرَّضَاعِ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ، فَإِنَّ الرَّضَاعَ يَغَيِّرُ الطَّبَاعَ» (حمیری، ۱۴۱۳: ۹۳) «فَإِذَا وُلِدَ صَرَفَ ذَلِكَ الدَّمَ الَّذِي كَانَ يَغْذُوهُ مِنْ دَمِ أُمِّهِ إِلَى ثَدْيِهَا وَانْقَلَبَ الطَّعْمُ وَاللَّوْنُ إِلَى ضَرْبٍ آخَرَ مِنَ الْغِذَاءِ وَهُوَ أَشَدُّ مُوَافَقَةً لِلْمَوْلُودِ» (مفضل بن عمر، بی تا، ۶۹/۱) و به دلیل این تأثیر بر دقت و توجه در انتخاب مرضعه تأکید شده است: «عَلَيْكُمْ بِالْوُضْءِ ... فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي» (شیخ طوسی، بی تا: ۱۱۰/۸) «... لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ وَلَا الْعَمَشَاءَ ...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۶۷/۲۱)؛ با توجه به این عبارات شیر رضاعی با گوشت و پوست کودک، آمیخته و طبیعت وجودی او را شکل می دهد. در معنای واژه «الطَّبَاع» آمده است که طبیعت مشتق از این کلمه به منزله سنجیه و سرشت و نحوه و کیفیت خلقت است (فراهیدی، بی تا: ۲۳/۲) ویژگی های طبیعی و تکوینی مادر شیرده، تأثیر مستقیم و غیرقابل انکاری دارد، به طوری که موجب تغییر و تشکیل طبیعت فرزند می شود. بنابراین با توجه به روایات، انتخاب دایه شایسته برای دوران شیرخوارگی فرزند توصیه شده و از دادن کودک شیرخوار به زن کم خرد نهی شده است، چون شیر مادر در طبع کودک اثر می گذارد و او حماقت و فطانت مادر را ارث می برد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۹۰/۱۱-۳۸۹).

به تبع مباحث فقهی، ماده پیشنهادی ۱۰۴۶ ق.م. قربت رضاعی و تأثیر آن در حرمت نکاح را مشروط به موارد ذیل می کند:

الف: شیر زن از حمل مشروع ایجاد شود؛ ب: شیر به طور مستقیم از پستان مادر مکیده شود؛ ج: طفل حداقل یک شبانه روز و یا پانزده بار شیر کامل خورده باشد؛ بدون این که در این فاصله غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد؛ چ: شیر خوردن طفل قبل

از اتمام دو سال قمری از تولّد او باشد؛ ح: مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد.

با توجه به مطالب بیان شده روشن است که فقه و حقوق اسلامی بر حکم مادری از طریق شیر دهی تصریح دارد، اما برای جریان این حکم به مادر جانشین، لازم است نصوص قرآنی و روایی در نقش و تأثیر رحم بر جنین را مورد توجه قرار داد تا این که تأکید فراوان قرآن و سخنان ائمه اطهار علیهم السلام به نقش رحم روشن شود:

۲. رحم

در تعریف رَحِم آمده است: به بستگان (فرزندان عمو، عمه، خاله و دایی) هرکسی، «ارحام» می‌گویند؛ چون به یک رحم و زهدان مرتبط هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷۴/۱۷)؛ در واقع، منظور از رحم بچه دان یا محلّی است که نطفه در آن رشد و نمو می‌کند، اما در مفهوم استعاره ای در معنای نسب نیز به کار می‌رود (قاهری، ۱۴۰۰: ۱۴). آفرینش انسان هرچند از صُلب و ترائب است: «يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» (طارق: ۷) اما آن چه بستگان را به هم پیوند داده و محرم می‌کند رحم زن است، نه صلب مرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷۴/۱۷). رحم، عامل وحدت موجود میان انسان هاست؛ به طوری که آثار حقیقی غیر قابل انکاری در خلقت، خُلق و خوی، روح و جسم آنها می‌گذارد. چه بسا عواملی مخالف در تأثیر رحم، مایه ضعف اثر رحم و نابودیش شود و به طرف عدم ببرد؛ اما هرگز از ریشه و مبنا رحامت را باطل نمی‌کند. رحم، از قوی ترین سبب های اتصال طبیعی میان افراد خاندان است و به همین خاطر، نتیجه ارتباط میان ارحام، قوی تر و شدیدتر از ارتباط میان اجنبی ها است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴۸/۴). اصل حاکم بر ارحام و محارم و وابستگان خانوادگی است و منشأ همه این رحامت ها و وابستگی ها، همانا پیدایش همه اعضا از یک رحم است و آن رحم که مبدأ تَکَوُّنِ اعضای به هم پیوسته است، جزو زن بوده که در حقیقت، پایه گذار قانون ارحام و صله رحم و محرمیت است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۱۰-۳۰۹)؛ خدای متعال

می فرماید: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ» (انفال: ۵۸) و «يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...» (بقره: ۲۷)؛ آیات شریفه رحم را محور اشتراک خویشان و بستگان بیان می کند.

همچنین اساس و مدار پیدایش عاطفه خانوادگی و نشر و انتقال آن به دیگران، رحم زن است. مؤید این مطلب، تعبیر عاطفی حضرت هارون به برادرش موسای کلیم علیه السلام است که نفرمود «أخ» یا «ابن أب»، بلکه فرمود: «ابن أم» (اعراف: ۱۵۰)؛ چون این تعبیر به عاطفه نزدیک تر است، اگر او با هارون علیه السلام از یک پدر و مادر بوده باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷/۱۳۵-۱۳۴).

قرآن می فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (نساء: ۱) و در آیه ۲۷ سوره بقره، از قطع رحم با عنوان نقض عهد نهی کرده است: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۷۲)؛ بنابراین، رحمت مصداقی از عهد میان افراد یک رحم است. وفاداری به هر عهدی امری فطری و طبیعی است؛ پس وفاداری در رحمت، به عنوان مصداقی از عهد، فطری و طبیعی است؛ در نتیجه، وصل میان صاحبان رحم به عنوان یک عهد و حقی فطری و غیر قابل سلب می باشد.

نقش زن، نه تنها ایجاد رابطه رحمت بین اعضای نسبی یک خانواده است بلکه سهم او در ایجاد پیوند رحمی میان وابستگان سببی نیز غیر قابل انکار است. قرآن می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا» (فرقان: ۵۴). در اسلام، وابستگان سببی، همانند پیوستگان نسبی، از رحمت خاص دارا هستند. چنان که از خطبه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در مراسم عقد حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْمُصَاهِرَةَ نَسَبًا لَاحِقًا... وَشَجَّ بِهَا الْأَرْحَامَ) (نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱/۱۴۷) چنین استفاده می شود که مصاهره و دامادی، ملحق به نسب است و رحم زن، نه تنها از طریق نقش مادری، بلکه از طریق ازدواج، داماد را به ارحام خود ملحق می کند.

نسبت حاصل میان انسان ها از رحم مشترک امری طبیعی و تکوینی و غیرقابل سلب است: «... حَقُّ الرَّحِمِ لَا يَقْطَعُهُ شَيْءٌ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۷/۲)؛ منظور از واژه «قطع»؛ یعنی جدا کردن چیز محسوس یا چیزی که با بصیرت درک می شود؛ مانند امور معقول (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۷) همچنین به معنای وجود مانع و حایل بین اجزا از جهت اتصال و ارتباط است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۲۵/۹). واژه «شئ» در حدیث بیان شده، به عنوان نکره در سیاق نفی، به حق بودن اصل خویشاوندی دلالت دارد؛ یعنی این حق، با وجود انسان و تشکیل خانواده، همواره وجود دارد؛ اگر انسان نباشد، خانواده ای هم تشکیل نشده و حق رحمی هم نیست. با توجه به این که واژه «شئ»، نکره در سیاق نفی بوده و افاده عموم می کند، امر رحامت، قطع شدنی نیست؛ یعنی حق اساسی و طبیعی میان اعضای خانواده است به طوری که اختلاف عقاید امور طبیعی را نقض نکرده و حق رحم را قطع نمی کند. با توجه به آیه «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (رعد: ۲۱) وصل، شامل هر صاحب رحمی می شود. در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّ الرَّحِمَ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ: اللَّهُمَّ! صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي، وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي، وَهِيَ رَحِمُ آلِ مُحَمَّدٍ... وَكُلُّ ذِي رَحِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۲)؛ بنابراین، این حق همواره وجود دارد؛ اما بر اساس اهم و مهم امور، حفظ و نگهداری عقیده، مهم تر از وصل خویشاوندی می باشد، اما اتصال رحمی همچنان برقرار بوده و تنها به شکل ظاهری ارتباطی وجود ندارد؛ بنابراین، به نظر می رسد رحم به عنوان عضوی از ساختمان طبیعی و تکوینی زن، موجب اتصال و ارتباط نسبی افراد متولد شده از آن رحم می شود و فراتر از همه، صاحب رحم نقش مادری را به عهده دارد.

روایات فراوانی نیز از تأثیرپذیری تکوینی و عاطفی جنین از صاحب رحم سخن می گوید: «أَوَّلُ ذَلِكَ تَصَوُّيرُ الْجَنِينِ فِي الرَّحِمِ حَيْثُ لَا تَرَاهُ عَيْنٌ وَلَا تَنَالُهُ يَدٌ وَ يَدْبُرُهُ حَتَّى يَخْرُجَ سَوِيًّا مُسْتَوْفِيًّا جَمِيعَ مَا فِيهِ قَوَامُهُ وَ صَلَاحُهُ مِنَ الْأَحْشَاءِ وَ الْجَوَارِحِ» (مفضل، بی تا: ۵۷/۱) و «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَكَحَ الْمَرْأَةَ وَ صَارَتْ أَلْطَفَةُ فِي الرَّحِمِ تَلَقَّتْهُ أَشْكَالٌ مِنَ الْغِذَاءِ وَ

دَارَ عَلَيْهِ الْفَلَکُ وَ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ فَيُولَدُ الْإِنْسَانُ بِالطَّبَائِعِ مِنَ الْغِذَاءِ وَ مُرُورِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ...» (قمی، ۱۴۰۴: ۲/۲۱۷). رشد جنین در رحم با مراحل و دگرگونی‌های مختلفی همراه است و افراد به دلیل تغذیه از صاحب رحم، طبع‌ها و مزاج‌های مختلفی پیدا می‌کنند؛ پس نقش صاحب رحم در تأثیر بر طبع و مزاج جنین، غیر قابل انکار است. در روایتی آمده است: «... وَ هُمْ يَتَوَهَّمُونَ أَنَّهُ يَسْتَبْقِيهِمْ لِمَا كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُمْ مِنَ الرَّحِمِ وَ الرَّضَاعِ وَ الصَّهْرِ...» (امام عسکری، ۱۴۰۹: ۱/۶۶۳). در این روایت نسب حاصل از رحم را در کنار رضاع بیان می‌کند؛ پس رحم نیز مانند رضاع موجب ایجاد نسبت می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ تُصِيرُ إِلَى عِلْقَةٍ ثُمَّ إِلَى مُضْغَةٍ ثُمَّ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِنَّ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي غَيْرِ الرَّحِمِ لَمْ يَخْلُقْ مِنْهَا شَيْءٌ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/۹۴)؛ انحصار خلقت به رحم، به معنای نفی تکنولوژی امروزی و رشد نطفه در دستگاه‌ها که همانند رحم عمل می‌کنند، نیست بلکه، روایت مذکور رحم را ظرف انحصاری خلقت و آفرینش انسان بیان می‌کند؛ از آنرو که خلقت بدون تغذیه از خون و مواد درون بدن صاحب رحم ممکن نیست و با قطع شدن راه تغذیه، جنین رشد نکرده و می‌میرد. پس غیر رحم هر جایی را شامل می‌شود که تعلق نطفه از مجاری تغذیه قطع شود و رو به نابودی بگذارد.

۳. وجه اشتراک حکم رحم جانشین و رضاع

پس از بیان آیات و روایات لازم است پاسخ این سوال روشن شود که آیا علت حکم نشر حرمت، رویش سلول‌های بدن طفل تنها از مواد تولیدی در درون جسم زن است یا علت، خصوص نمو این سلول‌ها از شیر آن زن می‌باشد و شیر در این مورد خصوصیت دارد؟ در باره قیاس اولویت چنین آمده است: «هو القیاس الذی یکون علیه الحکم فیه فی الفرع اقوی و آکد منها فی الاصل» (حاتری اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۸۵) شرایط قیاس اولویت به این صورت است:

الف: در قیاس احکام نباید متناقض باشد؛ حکم در اصل و فرع از یک سنخ باشد؛ برای مثال، اگر حکم در اصل، وجوب است در فرع نیز وجوب باشد و اگر حرمت است، در فرع نیز چنین باشد و از نظر ایجاب و سلب نیز یکسان باشند (مجاهد، بی تا: ۱/۱۱۸).

ب: ملاک حکم در فرع، از ملاک حکم در اصل اقوی باشد (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۸۵).

قیاس اولویت، قیاسی است که در آن از راه اقوی و اشد بودن وجود علت (مناط حکم اصل) در فرع، حکم اصل به فرع سرایت داده می شود و حکم آن استنباط می گردد. بنابراین، در مواردی که علت حکم اصل در فرع به صورتی قوی تر از اصل موجود باشد، حکم اصل نیز به طریق اولی بر فرع بار شده و به آن سرایت می کند. بنابراین، با توجه به این نکته که رحم زن در دوران تکوین برای جنین مانند پستان های او در دوران رضاع و شیرخوارگی است و موجب تغذیه و رشد قابل توجه جنین است (الماسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۶)؛ «به طوری که یک یا دو بار رضاع و مکیدن و چند قطره شیر موجب نشر حرمت نمی شود» (شیخ طوسی، بی تا: ۵/۹۶) پس همان طور که مادر رضاعی، مادر حقیقی نیست و تنها حکم مادر را داراست و تنها نسبت به فرزند محرم می باشد در مسأله رحم جایگزین که آن ملاک قوی تر است، حداقل نظیر حکم قرابت رضاعی برقرار می شود. به بیان دیگر، ملاک و معیار رضاع؛ یعنی رویش گوشت و استخوان بندی در این مورد نیز وجود دارد؛ در نتیجه، می توان احکام رضاع را جاری کرد و گفت که صاحب رحم نیز مادر حکمی نوزاد تولد یافته است (الماسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۶).

این نکته قابل توجه است که رابطه رضاع از سنخ رابطه نسب بوده و ماهیت تکون و پیدایش یکی از دیگری را دارد (آل بحر العلوم، ۱۴۰۳: ۳/۱۲۷-۱۲۸)؛ پس صرف نشأت گرفتن یکی از دیگری مهم است؛ که این مسأله هم در قرابت نسبی و هم در قرابت

رضاعی موجب نشر حرمت می گردد. در قرابت نسبی، رابطه از طریق خون و در رضاع، رابطه از راه شیر برقرار می شود؛ از اینرو شیر در این مسأله خصوصیت ندارد و تغذیه جنین از مواد تولیدی در درون جسم زن موجب ایجاد رابطه می شود؛ بنابراین تنها علت حکم نشر حرمت، رویش سلول های بدن طفل از همه مواد تولیدی در درون جسم زن است و شیر در این مسأله طریقیّت دارد، نه موضوعیّت؛ چنان که محقق حلی گفته است: «إذ حصل الرضاع المحرم انتشرت الحرمة بين المرضعة و فحلها إلى المرتضع و منه إليهما، فصارت المرضعة له أمّاً و الفحل أباً...» (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۵۱۰/۲)؛ بنابراین چنان چه با شیردهی حکم حرمت، نشر پیدا کرده و مرضعه، مادر رضاعی کودک می شود پس به طریق اولی نشر حرمت در رشد چندین ماهه جنین قوی تر است و صاحب رحم، مادر دوم کودک خواهد بود.

لازم است جهت شباهت، همان جهتی باشد که علت ترتّب حکم بر موضوع اصلی (رضاع) گردیده است. در مورد مادر جانشین و مادر رضاعی می توان حکم قرابت رضاعی را به باروری جانشینی با ملاک «رویش گوشت و محکم شدن استخوان؛ نه نموّ جسمانی مقید به شرایطی خاص» تسری داد؛ اگرچه در کنار این، نباید ملاک هایی مثل وجود عاطفه و مهر میان أولوا الأرحام، صاحب رحم و جنین، انتقال طبع و خصوصیات صاحب رحم به جنین، مدت زمان بارداری و نگهداری رحم - که به مراتب بیشتر از مدت زمان رضاع است - را منکر شد؛ بلکه باید گفت معیارهای نشر حرمت در رضاع به همان اندازه و گاهی با شدّت بیشتری در مورد باروری جانشینی وجود دارد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده می توان چنین نتیجه گرفت که لازم است فقها در نسبت بین جنین و صاحب رحم، تجدید نظر کنند و در اجتهاد و فتوای مربوطه، رابطه تکوینی و فطری بین صاحب رحم و جنین را مورد توجه قرار دهند؛ چراکه جنین در مدّت مشخص از خون صاحب رحم تغذیه می کند و بر اساس تأثیر رحامت زن، قیاس

اولویت، حکم رضاع، حکم رشد و پرورش جنین در رحم صاحب رحم، بعید نیست که مادر دوم جنین محسوب شود؛ که مهم ترین دلیل ما بر حکم به مادری صاحب رحم، رابطه قوی و محکم فطری و تکوینی است.

منابع

- قرآن کریم.

- آل بحر العلوم، سید محمد (۱۴۰۳ق)، **بلغه الفقیه**، ج ۳، ۴، تهران: مکتبه الصادق.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، **المحکم و المحيط الأعظم**، ج ۹، تحقیق: عبد الحمید هنداوی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، **تحف العقول**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- القمّی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، **تفسیر القمّی**، ج ۲، قم: دار الکتب.
- الماسی، نجادعلی؛ حمداللهی، عاصف؛ رجالی، محسن (۱۳۹۱)، **بررسی فقهی حقوقی قرابت مادر جانشین با طفل متولد از رحم جایگزین**، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۳۶، ۲۷-۴۶.
- الواحدی النیسابوری، أبو الحسن (۱۴۱۲ق)، **اسباب نزول القرآن**، ج ۱، ۲، تحقیق: عصام بن عبد المحسن، الحمیدان، الدمام: دار الاصلاح.
- امامی، سید حسن؛ صفایی، اسدالله (۱۳۷۶)، **مختصر حقوق خانواده**، تهران: دادگستر.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، **المحاسن**، ج ۱، ۲، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- تهانوی، محمد علی بن علی (۱۹۹۶م)، **کشاف الاصطلاحات فی الفنون و العلوم**، ج ۲، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (بی تا)، **الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه**، ج ۸، تعلیق: سید محمد کلانتر، بی جا: بی نا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ب)، **مراحل اخلاق در قرآن**، ج ۵، ۷، تحقیق: علی اسلامی، قم: إسرائ.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ا)، **تفسیر تسنیم**، ج ۱۱ و ۱۷، ج ۳، تحقیق: علی اسلامی و دیگران، قم: اسراء.

- حائری اصفهانی، محمدحسین (بی تا)، **الفصول الغریبه فی الأصول الفقہیہ**، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیہ.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق)، **الفصول المهمّة فی اصول الائمه**، ج ۲۱، تحقیق: محمد قائینی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- حسن بن علی (امام یازدهم)، **التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام**، قم: مدرسه الامام المهدی علیه السلام.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۲، چ ۲، تعلیق: سید صادق شیرازی، تهران: استقلال.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، **قرب الأسناد**، ج ۲۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۹۰ق)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، النجف الاشرف: دار الکتب العلمیه.
- خوئی، سید ابوالقاسم؛ تبریزی، میرزا جواد (۱۴۳۲ق)، **احکام جامع مسائل پزشکی**، قم: دار الصدیقه الشہیده.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات الالفاظ القرآن**، بیروت: دارالقلم.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۷ق)، **الامالی**، ج ۱، قم: مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسه البعثه الامالی.
- طباطبائی (علامه)، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (بی تا)، **تهذیب الاحکام**، ج ۸، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (بی تا)، **الخلاف**، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عزیزی، بیژن؛ قفقازی اصل، شهرزاد (۱۳۹۴)، **مطالعه تطبیقی وضعیّت نسب طفل متولد از رحم جایگزین در حقوق ایران و آمریکا**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳، ۸۵-۶۲.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۳)، **جامع المسائل**، ج ۱، چ ۱۱، قم: امیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، **کتاب العین**، ج ۲، چ ۸، قم: هجرت.
- قاهری، رقیه (۱۴۰۰)، **احکام و آثار اجاره رحم در فقه فریقین**، قم: هاجر.
- کاشفی، محبوبه (۱۳۸۵)، **بررسی تطبیقی واژه علقه در قرآن و علم رویال شناسی**، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱/۳، ۱۰۳-۱۳۲.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ج ۲ و ۶، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- مجاهد، سید محمد (بی تا)، **مفاتیح الاصول**، ج ۱، بی جا: بی نا.

- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۹ و ۱۳، چ ۳، بیروت، قاهره، لندن: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

- مفضل بن عمر جعفی، **توحید المفضل** (بی تا)، ج ۱، قم: داوری.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، **استفتانات جدید**، ج ۱، چ ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

- موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۳۸۸)، **رساله توضیح المسائل**، ج ۱، چ ۲۰، قم: نجابت.

- نبی نیا، خالد؛ صدری، سید محمد (۱۳۹۴)، **درنگی در حکم فقهی تلقیح مصنوعی اسپرم شوهر متوفی به زن**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳، ۱۱۷-۱۳۴.

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۶۲)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۳۹، چ ۷، تحقیق: محمود قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- نراقی، ملا احمد (۱۴۰۵ق)، **مستند الشیعه**، ج ۱۶، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.

- <http://www.hadavi.info>

- <http://site.agorgani.ir/estefte>

- <https://makarem.ir>

- <https://farsi.khamenei.ir>

- https://saafi.com/contact_us

- <https://www.sistani.org>

- <http://ahkam.ido.ir>

References

- The Holy Quran.

- Aal Bahrul Uloom, Seyed Mohammad(1403), Bolghat Al Faqih, Translated by Mohammad Taqi Al Bahrul Uloom, V. 3, E. 4, Tehran: Al-Sadegh School Nasser Khosro.

- Al-Wahidi Al-Nisabouri, Abul Hasan(1417), Asb al-Nuzul al-Qur'an, researched by Issam bin Abdul Mohsen al-Hamidan, al-Dammam: dar al-salah.

- Azizi and Qafkazi Asl, Bijan and Shahrazad (2014), a comparative study of the parentage status of a child born from surrogacy in Iranian and American law, Private Law Research Quarterly, year 4, number 13, pp. 62-85.

- Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid (1371 AH), Al-Mahasen, Muhaddith Jalaluddin, V. 1, E. 2, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Civil law.
- Emami and Safaei, Seyyed Hossein and Asadullah, 1376, a summary of family law, Tehran: Dadgstar Publishing.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad(1409), Kitab al-Ain, V. 2,8. E. 2, Qom: Hijrat Publishing.
- Fazel Mowhedi Lankarani Jame Al-Masal, V. 1, E. 11, Qom: Amir.
- Haeri Esfahani, Mohammad Hossein(No date), Al-Fusul al-Gharwiyyah fi al-Asul al-Faqhih, E. 1, Qom: Dar Ihya Uloom al-Islami, first edition.
- Hali(Mohaghegh Hali), Najmuddin, Sharia al-Islam, Seyyed Sadegh Hosseini, V. 2 , E. 2. Tehra ,:Esteghlal
- Har Ameli, Mohammad Bin Hasan(1418), Al-Fasul al-Muhama fi Usul al-Imaa, Muhammad bin Muhammad al-Husseini al-Qaini, V. 21, Qom Institute of Islamic Education of Imam Reza (peace be upon him).
- Hasan bin Ali, The 11th Imam, Al-Tafsir attributed to Imam al-Hasan al-Askari, (peace be upon him),Qom: Al-Imam al-Mahdi school, peace be upon him.
- Hemyari, Abdullah bin Jafar(1413), Qarb al-Asnad, According to the research of Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him, V. 21, Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him.
- Ibn Sayyidah, Ali bin Ismail(1421), Al-Mahkam and Al-Muhait al-Azm, According to the research of Abdulhamid Hindawi,V.9, E. 1, Beirut, Darul-Kitab Al-Alamiya.
- Ibn Shuba Harrani, Hasan bin Ali(1404), Tohaf Al Oqoul, According to the research of Ali Akbar Ghafari, Qom community of teachers.
- Javadi Amoli, Abdullah(1386b), Stages of morality in the Qur'an , According to the research of Ali Islami and others, V.5, E.7, Qom: Israa.
- Javadi Amoli, Abdullah(1389a), According to the research of Ali Islami and others, v. 11,17, E. 3, Qom: Israa.
- Kashifi, Mahbouba, comparative study of the word alqa in the Qur'an and the science of royalism, Research on the Sciences of the Qur'an and Hadith, third year, number 1, Pp 103_132.
- Khoei and Tabrizi, Abulqasem and Javad(1432), Comprehensive rulings on medical issues, Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahidah.
- Kolehini, Muhammad bin Yaqub bin Ishaq, Al-Kafi, Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi,V. 2,5, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.

- Makarem Shirazi, Nasser(1427), Esftataat New, Abolqasem Alian Nejadi, second edition, V. 1, E. 2, Qom: Imam Ali Bin Abi Talib School Publications.
- Mousavi Al-Khomeini, Seyyed Ruhollah(1390), Tahrir al-Wasila, V. 2, Najaf al-Ashraf: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Mousavi Ardabili, Abdul Karim(1388), Risalah Takhsir al-Masal, V. 1, E. 20, Qom: Najabat.
- Mufazal bin Omar(No date), Tawheed al-Mafzali, researched by Kazem Mozafari, V. 1, Iran, Qom: refereed.
- Mujahid, Muhammad(no date), Mofatih al-Asul, no place, no publication.
- Mustafawi, Hassan(1430), Tahaqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim, V. 9,13, E. 3 , Beirut - Cairo - London, Dar al-Katb al-Alamiya, Allameh Mustafawi's Works Publishing Center.
- Nabiniaand Sadri, Khalid and Seyed Mohammad (2014)delay in the , jurisprudence of the artificial insemination of a deceased husband's sperm to a woman, Islamic Jurisprudence Studies, Year v, Number,Pp 117-134.
- Najafi Javaheri, Mohammad Hasan(1362), Javaher al-Kalam fi Sharh Shariah al-Islam, researcher: Mahmoud Qochani, V. 39, E. 7, Beirut: Dar Ahya Al-Trath al-Arabi.
- Naraghi, Ahmad(1405), Al-Shia mostanad, V. 16, Qom-Mashhad: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him.
- Qahiri, Ruqiyeh, Rulings and Effects of Leasing the Womb in Fiqh al-Furiqin, 1st edition, Qom: Hajar Publishing.
- Qomi, Ali Ibn Ibrahim(1404), Tafsir Qomi, Tayyab Mousavi,V. 2, Qom: Dar al-Katab.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad(1412), Vocabulary of the Qur'an, E. 1, Beirut: Dar al-Qalam.
- Rejali and others, Mohsen(1391), Jurisprudential examination of the surrogate mother's relationship with the child born from the womb, Two-quarter scientific research journal of Islamic Law Research Journal, Thirteenth year, number two, 36 in a row, Pp 27_42.
- Sadouq, Muhammad bin Ali(1417), Al-Mali, 1st edition, V. 1, Qom: Printing and Publishing Center at Al-Ba'ath Al-Mali Institute.
- Shhid ,Thani (deta), Sharh al-Lamaa, Seyyed Mohammad Kalantar V.8 ,E. 1, no place, no publisher ,
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an,V. 4, Qom: Publishing House of the Seminary Teachers Society.

- Thanavi, Muhammad Ali bin Ali(1996), Kashaf Al-Istlahat in Al-Ulum and Al-Funun, Ali Dahrouj, V. 2. E. 1, Beirout: Maktaba Lebanon Publishers.
- Tousi, Mohammad bin Hassan(No date), Al-Khalaf,V. 5, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Tousi, Mohammad Bin Hassan(No date), Tahzib Al-Ahkam, Hassan Khorsan, V. 8, Tehran: Dar Al-Katb al-Islami.